



یک جهان جشن!

باز آن روز زیبا از راه رسیده است...
سلام و دیده‌بوسی و تبریک و هدیه و شادی؛
زمزمه‌ی ذکر زیبای «یا امیرالمؤمنین»؛
و سلام و صلوات!
پیر و جوان و کوچک و بزرگ، همه شادمان هستند.
همه، دست در دست هم تلاش می‌کنند تا یاد آن روز بزرگ را زنده نگه‌دارند.
چه جشن باصفایی! آسمان سراپا غرق نور است و زمین سراسر غرق سرور!
هر سال این جشن برپا می‌شود.
از آن روز، که آن ماجرا اتفاق افتاد تا الان بیش از هزار و چهارصد بار است که این
جشن زیبا را دیده‌ام.
چه روز بزرگ و بی‌نظیری بود! تک‌تک صحنه‌هایش در برابر چشمانم است!

چه روز بزرگ و بی نظیری بود! تک تک صحنه‌هایش در برابر چشمانم است!

عذیر خم ۱۸ ذی‌الحجه / ۱۵

سال دهم هجری است؛ ماه ذی‌الحجه، روز هجدهم ماه.

پیامبر و یارانش شادمان از انجام دادن مراسم نورانی حج به سوی مدینه باز می‌گردند.

کاروان‌ها به منطقه‌ی **عذیر خم** رسیده‌اند و کم‌کم می‌خواهند از هم جدا شوند.

در همین لحظه پیامبر خدا فرمان توقف می‌دهد و می‌فرماید:

«آنها که جلوتر رفته‌اند، برگردند. صبر می‌کنیم تا آنها که نرسیده‌اند، برسند!»

حاجیان شگفت‌زده به یکدیگر نگاه می‌کنند.

- «چه شده است؟ این همه حاجی بایستند؟ آن هم در این هوای گرم و سوزان!»

کم‌کم خبر همه جا می‌پیچد.

- «پیامبر خدا می‌خواهند مطالب مهمی را بیان کنند».

نماز جماعت ظهر برپا می‌شود؛ چه نماز پرخطرهای!

به دستور پیامبر از جهاز^۱ شتران، منبری بزرگ ساخته می‌شود.

پیامبر خدا بر منبر می‌ایستد و سخنرانی خویش را آغاز می‌کند. علی ابن ابی طالب

نیز در کنار پیامبر ایستاده است.

همه او را می‌شناسند و فداکاری‌هایش را بارها دیده‌اند.

من هم بارها او را دیده‌ام:

از آن آغاز که دیوار خانه‌ی کعبه در برابر مادرش شکافته شد و او در کعبه به دنیا آمد.

از آن هنگام که در بالای کوه نور در غار حرا همراه پیامبر خدا مشغول عبادت بود.

از زمانی که در کنار کعبه تنها مردی بود که در سنّ نوجوانی پشت سر پیامبر نماز

می‌خواند.

در آن زمان که در روز فتح مکه، روی دوش پیامبر رفت و بت‌ها را از بالای کعبه پایین

انداخت.

مردم با شور و هیجان به پیامبر چشم دوخته‌اند و گوش می‌کنند.



۱- وسیله‌ای که برای حمل بار یا انسان روی شتر می‌بندند.

پیامبر مطالبی بسیار مهم و ارزشمند برای مردم بیان می‌کند؛ سپس با صدایی بلند خطاب می‌کند:

«خداوند، جبرئیل امین را به سوی من فرستاد و فرمود:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»

ای رسول خدا آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است برای مردم بیان کن که اگر بیان نکنی، پیام خدا را به مردم نرسانده‌ای.»

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷



و بعد دست علی علیه‌السلام را در دست می‌گیرد و بالا می‌آورد و با صدایی بلند می‌گوید:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

هر کسی من رهبر و سرپرست او هستم، این علی، رهبر و سرپرست اوست.».

سپس پیامبر خدا دست به دعا برمی‌دارد:

«پروردگارا! با دوستان علی دوست باش و با دشمنان او دشمنی کن؛
پروردگارا یاران علی را یاری کن و بدخواهان او را خوار گردان.».

گل‌های لبخند بر لب همه می‌روید!

مردم دسته‌دسته جلو می‌آیند و با جانشین پیامبر بیعت می‌کنند.

در همین لحظه جبرئیل امین خدمت پیامبر خدا رسید و این آیه را هدیه آورد:

«امروز دین شما را کامل، و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آیین
جاویدان شما پسندیدم.».

حاجیان کم کم از هم خداحافظی می کنند و شادمان و شتابان به سوی شهرهایشان می روند.

و من چقدر خوشحالم که هم شاهد روز غدیر بوده ام
و هم در تمام جشن های غدیر نورافشانی می کنم.



با شنیدن نام عید غدیر به یاد چه چیزهایی می افتید؟ چرا؟



گفت وگو کنیم

این عبارتها را بخوانید.

مدیر مدرسه‌ی ما وقتی برای مدّت کوتاهی به مسافرت می‌رود، معاون مدرسه را به جای خود تعیین می‌کند تا مانند او به کارهای مدرسه رسیدگی کند و بی‌نظمی در مدرسه به وجود نیاید.

مادرم وقتی می‌خواهد برای مدّتی از خانه خارج شود، به خواهر بزرگ‌ترم سفارش می‌کند مانند او به امور منزل و کارهای من و برادر کوچکم رسیدگی کند تا مشکلی برای ما به وجود نیاید.

با توجه به آنچه خواندیم، فکر می‌کنید چرا لازم بود پیامبر اسلام برای خود جانشینی انتخاب کند؟ اول اینده، بعد از فوتشان، بر سر هدایت و اداره‌ی جامعه مشکلی بوجود نیاید.

و اما حضرت علی (ع) را به خوبی می‌شناختند و از توانایی‌های ایشان در اداره‌ی جامعه آگاه بودند.

ایستگاه فکر

وَمَا مَنَعَنَا حَضْرَتِ عَلِيِّ (ع) رَابِعِ خَيْرِي مِي شَنَاصْتُمْ وَارِثِي تَوَانِي هِي
ایشان فرزادری جامعہ اظہار ہو رہی

ایستگاه فکر

داستان را بخوانید و به سؤال پاسخ دهید:

آیه‌ای نازل شد:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

سورہی شعراء، آیهی ۲۱۴

پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ فرمان یافته بود تا خویشاوندان نزدیک خود را به دین اسلام دعوت کند؛ آنها را به مهمانی دعوت کرد؛ بعد از نهار و پذیرایی رو به آنها کرد و گفت: من برای شما بهترین دین را آورده‌ام. من خوبی شما را می‌خواهم. پروردگار به من دستور داده است تا شما را به سوی او هدایت کنم. کدام یک از شما مرا در این راه کمک می‌کند تا جانشین من در بین شما باشد؟
در این میان جز یک نوجوان، کسی چیزی نگفت... آن نوجوان حضرت علی علیه السلام بود.

❁ چه ارتباطی میان این داستان و این جمله پیامبر هست که فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

۶۹

حضرت علی از ابتدا و در همه حال بی‌رویاور پیامبر (ص) بودند و از دستورات او اطاعت می‌کردند، به همین دلیل پیامبر کسی را بهتر از ایشان نمی‌دانست.

بین و بگو

هر آیه به کدام تصویر مربوط است؟

② **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي**

امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما تمام کردم.

سوره ی مائده، آیه ی ۳

③ **وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا**

غذای خود را با اینکه به آن نیاز داشتند، به فقیر و یتیم و فرد گرفتاری بخشیدند.

سوره ی انسان، آیه ی ۸

① **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ**

سرپرست شما، تنها خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع به نیازمندان می بخشند.

سوره ی مائده، آیه ی ۵۵



①



②



③

حضرت علی (ع) در نظام رکوع نماز، انگشترش را بر مرد نیازمند بخشید.

به کار ببندیم

✿ همراه با دوستانم برای عید غدیر جشنی باشکوه در مدرسه یا محله برگزار می‌کنیم.

برای برگزاری این جشن زیبا چه کارهایی انجام می‌دهیم؟

۱- هماهنگی با اولیاء مدرسه یا بزرگترهای هم

۲- خرید وسایله و مسایل مورد نیاز برای جشن

۳- پوشیدن لباس های زیبا و عطر زدن

۴- دعوت از مهمانان

برنامه های جشن ما چیست؟

۱- ترنم منحل یا مدرسه (چراغانی کردن)

۲- بخش کردن شیرینی و شربت

۳- کمک به فقرا

۴- رفتن به خانه ی سادات

❁ حالا یک کارت دعوت درست کنید؛ برنامه‌های جشن را در آن بنویسید و دوستانتان را به جشن دعوت کنید.

خاطره‌گویی

خاطرات خودتان را از شرکت در مراسم جشن غدیر در این روز برای دوستانتان تعریف کنید.

با خانواده

درباره‌ی آداب روز عید غدیر تحقیق کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۱- اتمام غسل روز عید ۲- برپایی جشن ۳- رفتن به منزل سیدها